

پیوست

شماره: ۴۰۴/۱۵۶۷۰

تاریخ: ۱۳۸۶/۰۲/۰۹

پیوست:

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان
شماره ثبت: ۸۶،۱۱،۹۱۴۷ صبح
تاریخ ثبت: ۸۶،۲،۱۰ عصر
اقدام کننده:

حضرت آیت الله احمد جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین
دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطنتی عمان که به مجلس شورای اسلامی تقدیم
گردیده بود و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۶/۲/۵ مجلس عیناً به تصویب
رسیده است، به پیوست ارسال می گردد.

غلامعلی حدادعادل

رئیس مجلس شورای اسلامی





لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطنتی عمان

ماده واحده - موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطنتی عمان مشتمل بر یک مقدمه و بیست و نه ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود. تبصره - هزینه های مالی موضوع بند (۳) ماده (۱۱) موافقتنامه مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطنتی عمان

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت سلطنتی عمان با تمایل به انعقاد موافقتنامه های به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دوی آنها باشند.

ماده ۲ - مالیاتهای موضوع موافقتنامه

- ۱- این موافقتنامه شامل مالیاتهای بر درآمد و مالیات بر سرمایه است که صرف نظر از نحوه اخذ آنها، از سوی یک دولت متعاقد وضع می گردد.
- ۲- مالیاتهای بر درآمد و سرمایه عبارت است از مالیات بر کل درآمد و کل سرمایه یا اجزای درآمد و سرمایه از جمله مالیات بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا

غیرمتقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه به ویژه عبارتند از:

الف - درمورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد، و

- مالیات بر دارایی

ب - درمورد سلطنتی عمان:

- مالیات بر درآمد شرکتها به موجب حکم سلطنتی اصلاحی شماره ۴۷/۱۹۸۱ و

- مالیات بر منافع حاصل از تأسیس مؤسسات به موجب حکم سلطنتی اصلاحی

شماره ۷۷/۱۹۸۹.

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیاتهای موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه و یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳ - تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضاء

نماید، معانی اصطلاحات به قرار زیر است:

الف - اصطلاح «قلمرو» درمورد هریک از کشورهای متعاقد، حسب مورد به

جمهوری اسلامی ایران و سلطنتی عمان اطلاق می شود.

ب - «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» بنا به اقتضای متن به جمهوری

اسلامی ایران یا سلطنتی عمان اطلاق می گردد.

پ - «شخص» اطلاق می شود به:

۱- شخص حقیقی.

۲- شرکت یا هر مجموعه دیگری از افراد، و

۳- هر واحدی به جز موارد موضوع ردیفهای (۱) و (۲) که طبق قوانین مالیاتی

جاری دولت متعاقد مربوطه، به عنوان واحد مشمول مالیات تلقی می گردد.

ت - «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود.

ث - «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می‌گردد، اطلاق می‌شود.

ج - «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، لنج، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاقد انجام می‌شود به استثنای مواردی که کشتی، لنج، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شود.

چ - «مقام صلاحیتدار»:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او.
- در مورد سلطنتی عمان، به وزیر اقتصاد ملی و سرپرست وزارت دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به‌کار رفته در قوانین آن دولت متعاقد در آن زمان راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد.

ماده ۴ - مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت متعاقد، از حیث اقامتگاه محل سکونت، محل مدیریت، محل ثبت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت یا مقام محلی خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ سرمایه و یا کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - او صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علائق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، فقط مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بسر می برد.

پ - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، فقط مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت - هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت متعاهد را نداشته باشد و یا در صورتی که نتوان براساس و به ترتیب بندهای فوق او را مقیم یکی از دولتهای متعاهد تلقی کرد، موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که طبق مقررات بند (۱) شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

ماده ۵ - مقر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابت کسب و کاری اطلاق می شود که از طریق آن فعالیت شغلی مؤسسه کلاً یا جزئاً انجام می گیرد.

۲- اصطلاح «مقر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره

ب - شعبه

پ - دفتر

ت - کارخانه

ث - کارگاه و

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا

بهره برداری از منابع طبیعی.

۳ - کارگاه ساختمانی یا پروژه ساخت یا سوارکردن و یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، «مقر دائم» محسوب می شود ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتهای بیش از دوازده ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴ - علی رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح «مقر دائم» شامل موارد زیر نخواهد شد:

الف - استفاده از تسهیلات صرفاً به منظور انبارکردن، نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه.

ب - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبارکردن یا نمایش.

پ - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر.

ت - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه.

ث - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات یا تحقیقات علمی برای آن مؤسسه یا سایر فعالیتهایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزءهای (الف) تا (ث) به شرط آن که فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵ - علی رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند ۶ است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیتهایی که این شخص برای آن انجام می دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آن که فعالیتهای شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیتهای چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرد به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد. در صورتی که این شخص دارای چنین اختیاری برای انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه نباشد اما به طور معمول در دولت نخست، انبار کالا یا اجناس را نگهداری کند و از طریق آن کالا یا اجناس را از طرف آن مؤسسه تحویل دهد، آن مؤسسه در دولت نخست دارای مقر دائم تلقی خواهد شد.

۶- مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آن که در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العاملکار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت متعاقد دیگر دارای مقر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آن که عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع‌ذلک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به‌طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته‌باشد، چنانچه معاملات بین این عامل و آن مؤسسه در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به‌عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف این که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاقد دیگر را کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دازد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای این که یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعهده‌ی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی (از جمله پرورش و تکثیر ماهی) و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی درمورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷ - درآمدهای تجاری

- ۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر این که این مؤسسه از طریق مقرر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار پردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقرر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر می شود.
- ۲- با رعایت مقررات بند (۳) در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاقد از طریق مقرر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، آن مقرر دائم در هر یک از دو دولت متعاقد دارای درآمدی تلقی می شود که اگر به صورت مؤسسه ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه ای که مقرر دائم آن است به فعالیت های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می توانست تحصیل کند.
- ۳- با رعایت قوانین و مقررات یک دولت متعاقد، در تعیین درآمد مقرر دائم، هزینه های قابل قبول از جمله هزینه های اجرایی و هزینه های عمومی اداری در حد معقول تا حدودی که این هزینه ها برای مقاصد فعالیت های تجاری آن مقرر دائم تخصیص یافته باشد، کسر خواهد شد، اعم از آن که در دولتی که مقرر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر.
- ۴- چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقرر دائم براساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخش های مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.
- ۵- صرف آن که مقرر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقرر دائم نخواهد بود.
- ۶- از لحاظ بندهای پیشین، درآمد منظور شده برای مقرر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آن که دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.
- ۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه ای دارد، مفاد این ماده خدشه ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸ - حمل و نقل بین‌المللی

۱- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- از لحاظ این ماده، درآمد حاصل از فعالیت کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای در حمل و نقل بین‌المللی شامل موارد ذیل می‌باشد:

الف - درآمد حاصل از اجاره کشتی، لنج یا وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای خالی (بدون خدمه)،

ب - درآمد حاصل از استفاده، تعمیر و نگهداری یا اجاره کانتینرها (شامل کسندوها و تجهیزات مربوط برای حمل و نقل کانتینرها) مورد استفاده برای حمل و نقل کالا یا اجناس، در صورتی که این اجاره یا استفاده یا تعمیر و نگهداری یا اجاره نسبت به فعالیت کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای در حمل و نقل بین‌المللی، حسب مورد جنبه اتفاقی داشته باشد.

۳- از لحاظ این ماده، هزینه مالی و جوهی که مستقیماً مرتبط با فعالیت کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی و جاده‌ای در حمل و نقل بین‌المللی می‌باشد به عنوان درآمد یا منافع حاصل از فعالیت این کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی و جاده‌ای تلقی شده و مقررات ماده (۱۱) در مورد این هزینه‌های مالی اعمال نخواهد شد.

۴- اصطلاح «فعالیت کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی و جاده‌ای» به اشتغال در حمل و نقل دریایی، هوایی یا جاده‌ای مسافر، پست، احشام یا کالاهایی که به وسیله مالک یا مستأجر یا اجاره‌دهنده درستی کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی و جاده‌ای از جمله فروش بلیط برای این حمل و نقل‌ها از طرف مؤسسات دیگر، اجاره اتفاقی کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی و جاده‌ای و هر نوع فعالیت دیگری که مستقیماً با این گونه حمل و نقل مرتبط باشد اطلاق می‌شود.

ماده ۹ - مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف - مؤسسه یک دولت متعاقد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه‌مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد.

یا

ب - اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشند و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل بر قرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید در نبود آن شرایط عاید یکی از مؤسسات می شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاهد طبق بند(۱) فوق، درآمدهایی که در دولت متعاهد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاهد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می شد، در این صورت آن دولت متعاهد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰ - سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

۲- مع ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که مالک منافع سود سهام مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.

این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می شود نخواهد داشت.

۳- اصطلاح «سود سهام» در این ماده اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسین یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل

اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می گردد.

۴- علی رغم مقررات بند (۲) فوق سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم سلطنتی عمان به جمهوری اسلامی ایران از جمله مؤسسات دولتی، شرکتهای دولتی، بانک مرکزی یا سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران می باشند، در سلطنتی عمان از مالیات معاف خواهند بود.

۵- علی رغم مقررات بند (۲)، سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم دولت جمهوری اسلامی ایران به دولت سلطنتی عمان، در جمهوری اسلامی ایران از مالیات معاف خواهد بود. از لحاظ این ماده اصطلاح «دولت» شامل موارد ذیل می باشد.

الف - بانک مرکزی عمان.

ب - صندوق ذخیره عمومی دولت.

پ - بانک توسعه عمان، و

ت - هر تشکیلات قانونی یا مؤسسه ای که کلاً یا عمدتاً متعلق به دولت سلطنتی عمان می باشد.

۶- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) این موافقتنامه، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۷- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر باشد) و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاقد دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱ - هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- مع‌ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آن که دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد و به‌خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در سلطنتی عمان، پرداختی به جمهوری اسلامی ایران از جمله وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشند، در سلطنتی عمان از مالیات معاف خواهند بود.

۵- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در جمهوری اسلامی ایران، پرداختی به دولت سلطنتی عمان، در جمهوری اسلامی ایران از مالیات معاف خواهد بود. از لحاظ این ماده اصطلاح «دولت» شامل موارد ذیل می‌باشد:

الف - بانک مرکزی عمان.

ب - صندوق ذخیره عمومی دولت.

پ - بانک توسعه عمان، و

ت - هر تشکیلات قانونی یا مؤسسه‌ای که کلاً یا عمدتاً متعلق به دولت سلطنتی عمان می‌باشد.

۶- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقرر دائم فعالیت شغلی داشته‌باشد یا در دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل

انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) این موافقتنامه مجری خواهد بود.

۷- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاهد تلقی خواهد گردید که پرداخت‌کننده خود دولت، مقام محلی، یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع‌ذلک، در صورتی که شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی برعهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاهد محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۸- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ هزینه‌های مالی اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هریک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲ - حق‌الامتیازها

۱- حق‌الامتیازهایی که در یک دولت متعاهد حاصل و به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- مع‌ذلک، این حق‌الامتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق‌الامتیاز مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص حق‌الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق‌الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله نرم‌افزارهای رایانه‌ای، فیلمهای سینمایی یا فیلم یا نوار یا لوح‌های فشرده مورد استفاده در رادیو و

تلویزیون، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی، اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق‌الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق‌الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دائم، فعالیت شغلی داشته‌باشد، یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق‌الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به‌طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته‌باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهدشد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) این موافقتنامه مجری خواهدبود.

۵- حق‌الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهدشد که پرداخت‌کننده، خود آن دولت، مقامی محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع‌ذلک در صورتی که شخص پرداخت‌کننده حق‌الامتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجب حق‌الامتیاز به نحوی مؤثر با آن مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته، پرداخت حق‌الامتیاز بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، حق‌الامتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهدشد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق‌الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق یا اطلاعاتی که بابت آنها حق‌الامتیاز پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ حق‌الامتیازهای اخیرالذکر مجری خواهدبود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهدماند.

ماده ۱۳ - عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

- ۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.
- ۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، لنج‌ها، وسایط نقلیه هوایی و یا جاده‌ای فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.
- ۴- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۳) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل

- ۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود مگر آن که این شخص به منظور ارائه فعالیت‌های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته‌باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود.
- ۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، کارشناسان، وکلای دادگستری، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیر مستقل

- ۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آن که استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند(۱)، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آن‌که:

الف - جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند نوبت در دولت متعاقد دیگر به سر برده است از یکصد و هشتاد و سه روز در دوره دوازده‌ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد، تجاوز نکند، و

ب - حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود، و

پ - پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات یادشده در این ماده، حق‌الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد، در زمینه استخدام در کشتی، لنج، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۱۶ - حق‌الزحمه مدیران

حق‌الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره یا سمت مشابه در شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد(۱۴) و (۱۵) این موافقتنامه مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد علی‌رغم مقررات مواد(۷)، (۱۴) و (۱۵) این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاهدی می‌شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گیرد.

۳- درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیت‌های خود در چارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دو دولت متعاقد تحصیل می‌نماید از شمول بندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می‌باشد.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی

با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۹) حقوق بازنشستگی و سایر وجود مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۱۹ - خدماتی دولتی

۱-

الف - حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا مقام محلی یا تشکیلات قانونی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام یا تشکیلات فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ب - مع‌ذلک، در صورتی که خدمات در دولت متعاقد دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حق‌الزحمه‌ها فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، مشروط بر آن که آن شخص مقیم:

- تابع آن دولت دیگر بوده و یا

- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده‌باشد.

۲-

الف - حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاقد و یا از محل صندوق ایجادشده از طرف آن دولت یا مقام یا تشکیلات قانونی آن، به فردی درمورد خدماتی که برای آن دولت و یا مقام یا شخص مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ب - مع‌ذلک در صورتی که شخص حقیقی، مقیم و تبعه دولت متعاقد دیگر باشد،

این حقوق بازنشستگی صرفاً در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

۳- درمورد حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌ها و مقرری‌های بازنشستگی بابت

خدمات ارائه شده درمورد فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا مقام محلی یا

تشکیلات قانونی آن انجام می دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) این موافقتنامه مجری خواهد بود.

ماده ۲۰ - مدرسین، محصلین و محققین

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آن که پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین حق الزحمه دریافتی توسط مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی در دولت متعاقد دیگر به سر می برد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود، مشروط بر آن که پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود. مفاد این بند در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص و مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می باشند، مجری نخواهد بود.

ماده ۲۱ - سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقرر دائم واقع در آن به کسب و کار پردازد و یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن حاصل شده است با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت حسب مورد مقررات مواد (۷) و (۱۴) این موافقتنامه اعمال خواهد شد.

ماده ۲۲ - سرمایه

۱- سرمایه متشکل از اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) این موافقتنامه که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۲- سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائمی که مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، می باشد و یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می باشد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتی ها، لنج ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده ای، مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی ها، لنج ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده ای، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۴- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳ - آئین حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند یا سرمایه ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد:

الف - مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر، از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود، و

ب - مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر، از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

معذک در هر یک دو مورد، این گونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد یا سرمایه تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

۲- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی مانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

۳- مالیات قابل پرداخت در یک دولت متعاقد، مندرج در بندهای (۱) و (۲) این ماده، جزء مالیات قابل پرداختی که به لحاظ تشویقات اعطایی، طبق قوانین آن دولت متعاقد و به منظور ارتقاء توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است، تلقی خواهد شد.

۴- از لحاظ این موافقتنامه، اصطلاح «مالیات» شامل مبالغ قابل پرداختی که به لحاظ تأخیر تأدیه یا از قلم افتادگی مرتبط با مالیاتهایی که این موافقتنامه در مورد آنها اعمال می شود یا جریمه متعلقه بابت آن مالیاتها نخواهد شد.

ماده ۲۴ - عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، اخذ می شود نباید از مالیات مؤسسات دولت ثالثی به غیر از پادشاهی بحرین، دولت قطر، دولت کویت، پادشاهی عربستان سعودی و امارت متحده عربی که همان نوع فعالیتها را انجام می دهند، نامساعدتر باشد.

۳- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۸) ماده (۱۱) یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می شود، هزینه های مالی، حق امتیاز و سایر هزینه های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود. همچنین هرگونه دین مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت

متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور به مقیم دولت نخست پرداخت می‌شد.

۵- این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

ماده ۲۵ - آئین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که شخص مقیم یک دولت متعاقد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین داخلی دولتهای مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۴) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف دو سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲ - اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. توافق حاصله علی‌رغم محدودیت‌های زمانی موجود در قوانین داخلی دولتهای متعاقد قابل اجرا خواهد بود.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامات صلاحیتدار با مشورت یکدیگر، آئینها، شرایط، روشها و فنون مقتضی دوجانبه را برای اجرای آئین توافق دوجانبه مندرج در این ماده فراهم می‌آورند.

ماده ۲۶ - تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی غیرمغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه باشد مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) این موافقتنامه موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجرا یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یادشده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) فوق در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط‌مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده ۲۷ - اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۸ - لازم الاجراء شدن

۱- دولتهای متعاقد طبق قوانین و مقررات خود این موافقتنامه را تصویب و اسناد تصویب را در اسرع وقت مبادله خواهند کرد.
۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، قوت قانونی خواهد یافت و مقررات آن در موارد زیر به مورد اجراء گذارده خواهد شد:
الف - در جمهوری اسلامی ایران: در مورد مالیاتهای بر درآمد حاصله یا سرمایه متعلقه،

در هر سال مالی که از اول فروردین ماه (در مورد سلطنتی عمان برابر با بیست و یکم مارس) سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است شروع می شود:
ب - در مورد سلطنتی عمان:

- در مورد مالیاتهای تکلیفی: نسبت به مبالغی که از اول ژانویه (برابر با یازدهم دی ماه) سال تقویمی متعاقب تاریخی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است یا پس از آن، پرداخت یا اعتبار شده است.

- در مورد سایر مالیاتها، برای هر سال مالیاتی که از اول ژانویه (برابر با یازدهم دی ماه) سال تقویمی متعاقب تاریخی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است یا پس از آن، شروع می شود.

ماده ۲۹ - فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ نشده لازم الاجراء خواهد بود. هریک از دولتهای متعاقد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجراء می گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف - در جمهوری اسلامی ایران: در مورد مالیاتهای بر درآمد حاصله یا سرمایه متعلقه، در هر سال مالی که از اول فروردین ماه (در مورد سلطنتی عمان برابر با بیست و یکم مارس) سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت فسخ ارائه شده است یا پس از آن شروع می شود.

بسته

ب - در مورد سلطنتی عمان:

- در مورد مالیاتهای تکلیفی: نسبت به مبالغی که از اول ژانویه (برابر با یازدهم دی ماه) سال تقویمی بلافاصله متعاقب سالی که این یادداشت فسخ ارائه شده است یا پس از آن، پرداخت یا اعتبار شده است.

- در مورد سایر مالیاتها: برای هر سال مالیاتی که از اول ژانویه (برابر با یازدهم دی ماه) سال تقویمی بلافاصله متعاقب سالی که این یادداشت فسخ ارائه شده است یا پس از آن، شروع می شود.

امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می باشند، این موافقتنامه را امضاء نمودند.

این موافقتنامه در مسقط در دو نسخه اصلی یکسان در تاریخ پانزدهم مهرماه ۱۳۸۳ هجری شمسی برابر با بیست و یکم شعبان ۱۴۲۵ هجری قمری (ششم اکتبر ۲۰۰۴ میلادی) به زبانهای فارسی، عربی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر متون فارسی و عربی، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت

سلطنتی عمان

از طرف دولت

جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و بیست و نه ماده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ پنجم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

غلامعلی حدادعادل
رئیس مجلس شورای اسلامی